

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم - بهار ۱۴۰۲ - شماره دوازدهم - ص ۱۱۴-۱۳۳

جایگاه مربی در تربیت کودک در قرآن و روایات

سهیلا راستی^۱

ندا رستمیان^۲

ماندانا گودرزی^۳

زهرا پوربساط^۴

محمد مهدی کریمی نیا^۵

چکیده

تربیت و تعلیم از جمله مباحث مهم و کلیدی ست که نقش اساسی در سعادت خانواده و شکوفائی هر جامعه دارد. در این میان، مربی به عنوان یکی از ابزارهای تحقق تربیت، دارای جایگاه والائی است که هیچ کس بدون مربی و معلم نمی تواند کاری انجام دهد و پدر مادر اولین معلم و مربی است که از همه بیشتر، نقش برجسته و مهم را در زندگی کودک ایفا می کند؛ یعنی هر کودکی احتیاج به پدر و مادر دارد، که در آغاز تربیت در سنین کودکی و طفولیت نقش بسزائی در شکل گیری طبیعت و سرشت انسان دارد، به طوری که در برخی از روایات به پدر مادر نسبت به آموزش دینی کودکان از سن سه سالگی و پیش از بلوغ سفارش شده است. دین مبین اسلام ظرفیت عظیمی از پاسخ گوئی به همه ابعاد

۱. فوق دیپلم راهنمای آموزشی، فعال فرهنگی و مدیر مدرسه، کد پرسنلی: ۷۰۸۵۲۶۷۹.

Soheyla.rasty1402@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، فعال فرهنگی و آموزگار ابتدایی، کد پرسنلی: ۹۴۰۱۹۸۹۶.

nedarostamiyannr@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، فعال فرهنگی و مدیر مرکز اختلالات یادگیری آونگ، کد پرسنلی: ۳۵۹۸۰۲۹۵.

mana.goodarzi1307@gmail.com

۴. لیسانس، فعال فرهنگی و آموزگار، کد پرسنلی: ۹۶۰۹۷۸۲۵.

zahraporbasat2020@gmail.com

۵. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دارای مدرک سطح چهار (دکتری) رشته فقه و اصول و

مدرک دکتری رشته قرآن و علوم، گرایش قرآن و حقوق، نویسنده مسؤول،

kariminia@quran.ac.ir

زندگی بشر را دارا می‌باشد. پیرامون تربیت دینی اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات، مباحث متنوعی از جهات گوناگون ارائه شده است. ما در این پژوهش برآنیم تا جایگاه و نقش مربیان در تربیت اخلاقی کودکان از منظر قرآن و روایات را بررسی نمائیم.

کلیدواژه‌ها: مربی، معلم، تربیت، قرآن، روایات، کودک.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ و سراج و هاج که کاملترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد، در آیات نورانش، مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هرچه تمام ترسیم نموده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده و قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و الهی و کاملترین مربی انسان برای هدایت تربیتی انسان نازل گردیده است. نفوذ شگفت‌انگیز آیات قرآن در دل و جان انسان‌ها، تحولی عظیم در ابعاد گوناگون زندگی بشر ایجاد کرده و همیشه الهام‌بخش تفکرات سازنده و ارزش‌های والا بوده است. قرآن کتابی نیست که انسان‌ها را تنها پند و اندرز دهد و مسائل زندگی را به صورت ذهنی و تئوری بیان کند، بلکه در هر زمان که خواسته است ارزشی را بیان کند، با ارائه نمونه‌های عینی در جامعه، صداقت و صراحت و واقع‌گرایی خود را به اثبات رسانیده و همواره فضیلت‌ها و نیکی‌ها را همراه با مطرح ساختن شخصیت نیکان معرفی کرده است. (فرهادیان، ۱۳۹۰ش، ۴۵).

هدف از تعلیم و تربیت قرآنی، هدایت انسان‌ها به سوی کمال مطلق است و روشی را که ارائه می‌دهد، برای هر چه بیشتر فراهم نمودن زمینه‌های رشد و خلاقیت در جهت تکامل است، به طوری که محتوا و روش‌های کاربردی در تربیت انسان، همگی در این راستا قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم شناسی

برای واژه تربیت در لغت و اصطلاح معانی متعددی بیان شده است. از این رو، لازم است که معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مفهوم لغوی تربیت

واژه «تربیت» عربی، مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱. ربأ، یربؤ (فعل مهموز) ۲. ربی، یربی (فعل ناقص) ۳. رب، یرب (فعل مضاعف)

تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «چیزی رشد کرد و افزوده شد». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ۱۰۵).

اگر تربیت برگرفته از «ربی، یربی» باشد، معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک است.

واژه تربیت از ریشه «رب، یرب» در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن.

از میان سه معنای ذکر شده، بیشتر زبان‌شناسان، تربیت را با عنایت به ریشه «رب، یرب» تعریف کرده‌اند. مثلاً در تعریف راغب اصفهانی آمده است: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ۵۲)

واژه «تربیت» در زبان فارسی به معنای پرورش دادن (عمید، ۱۳۶۲ش، ۳۸۶)؛ آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ۱) و واژه «تربیت» و همچنین به معنای یاد دادن ادب و اخلاق (معین، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ۱۰۶۳) نیز آمده است.

در زبان عربی، این واژه در قالب باب تفعیل از ریشه‌ی «رب» ساخته شده به معنای افزودن، رشد و نمو کردن و علو (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ۳۸۳) که غالباً برای رسیدگی به امور موجود زنده جهت دستیابی او به رشد و نمو ظاهری استعمال می‌شود. معمولاً رسیدگی یاد شده در مورد انسان، به دوران طفولیت وی منحصر می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۰ش، ۲۶) در متون روایی، واژه‌ی «تربیه» ذکر شده (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ۳)؛ اما در قرآن کریم، کلماتی با ریشه‌ی «رب» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ۳۳۶) آمده است، مانند: «ربیانی». (سوره اسراء/ ۲۴)

با توجه به تعاریف متعددی که از تربیت بیان گردید، به نظر می‌آید که تربیت در لسان عرب به معنای شکوفاکردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمال به همراه مربی و پرورش دادن می‌باشد، کما اینکه راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، به آن اشاره دارد و تربیت را از ریشه الربّ گرفته و آن را به معنای پرورش دادن می‌داند و همچنین احمد بن فارس در کتاب معجم المقاییس اللغه

ریشه تربیت را از الربوة گرفته که به معنای مکانی مرتفع را گوید و در ادامه آن را به معنای «اِذَا غَدَوْتَهُ» هم گرفته است، به معنای غذا دادن و پرورش دادن و به رشد رسانیدن گرفته است.

واژه تربیت که واژه‌ای عربی، دارای دو ریشه است که از جهت معنا خیلی از هم بیگانه نیستند. یکی از ماده «رَبَّ» به معنای سرپرستی کردن «رَبُّ الْاَبِّ وُلْدَهُ»، یعنی پدر فرزند خود را سرپرستی کرد و نسبت به تغذیه و رشد و تربیت او متعهد شد، و دیگری «ربوه» می‌باشد که معنای تغذیه دادن که اشاره به معنای «پرورش دادن» را دارد.

حال کدام یک از این دو ریشه اصل و کدام یک فرع است، خود بحث تفصیلی لغوی و مستقلی را طلب می‌کند که از محدوده این پژوهش خارج است.

۱-۲. مفهوم اصطلاحی تعلیم و تربیت

با توجه به این که برای تربیت، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان بیان شده است؛ اما با وجود اختلاف تعبیر، همگی در یک نتیجه اتفاق نظر دارند و آن رسیدن به قرب الهی و کمال مطلق است که هر انسان، همواره باید به سوی آن در حرکت باشد.

۱-۲-۱. تربیت در اصطلاح

نخستین تعریف برای تربیت، طبق تعالیم پیامبراکرم (ص) که راه اصلی رسیدن به قرب الهی را این روش می‌داند؛ «دلالت و راهنمایی مُتربی به شناخت خدا، به عنوان رب یگانه انسان و جهان به وسیله عقل، برای تن دادن اختیاری به ربوبیت انحصاری او، از راه عمل به تعالیم و دستورهای آخرین پیامبر الهی و ائمه اطهار، به منظور عبادت خدا برای رسیدن به مقام قرب الهی». (مهدی زاده، ۱۳۹۶ش، ۱۱۵).

استفاده از قوی انسان و پرورش آنها در تعریف بعدی به چشم می‌خورد که این منظور با تلاش مربی و طبق توانایی متربی لحاظ شده است. «برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با کوشش و سعی متربی نیز توأم باشد تا انسان به منتهای کمال نسبی خود - به میزان طاقت و توانایی - نائل شود». (حسینی، ۱۳۹۸ش، ۲۱)

در جای دیگر این گونه آمده است: «تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهایی که در فرد مورد تربیت موجود است». (مطهری، ۱۳۸۲ ش،، ۱۴)

برخی از اندیشمندان هم این گونه تعریف کرده کرده است: «پرورش (تربیت) عبارتست از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش یابندگان در جهت هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست». (سیف، ۱۴۰۱ ش،، ۱۲). جریان منظم که موجب رشد ابعاد وجودی انسان می شود و استعدادها را شکوفا می کند.

در برخی از تعاریف بیان شده است: «فرآیند کمک به فرد تربیت پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفا سازی استعدادها یا باز دارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می باشد». (بناری، ۱۳۸۳ ش،، ۲۵).

آیت الله ابراهیم امینی در تعریف اصطلاحی تربیت که مدعی است بهترین تعریف می باشد، می نویسد: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرائط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند». (امینی، ۱۳۸۴ ش،، ۲۷).

از بررسی تعاریف ذکر شده، عناصر مشترک زیر به دست می آید:

الف. تربیت یک نوع عمل و فعالیت است؛

ب. در تربیت وجود دو عنصر مربی و متربی ضروری است؛

ج. تربیت عملی عمدی، آگاهانه و هدفمند است. (بناری، ۱۳۸۳ ش،، ۷۰).

بنابر این هدف اصلی تربیت، کمک کردن به فرد برای رساندن فرد به حد مطلوب و رسیدن به کمال و سعادت است و تغییراتی که در امر تربیت صورت می پذیرد، آنی و دفعی نیست، بلکه باید به صورت تدریجی و به مرور زمان صورت بگیرد.

تربیت به ابعادهای مختلف انسانی توجه دارد. اگر این تلاش و کوشش در جهت رشد و شکوفائی اعضاء و جوارح بدنی باشد، به آن «تربیت بدنی» گویند. اگر در جهت رشد و شکوفائی نیروهای عقلی و قوای فکری باشد به آن «تربیت عقلی» و اگر در جهت رشد و شکوفائی امیال و گرایشات نفسانی باشد و موجب پیدایش ملکات اخلاقی شود، به آن «تربیت اخلاقی» گویند.

هدف اصلی در تربیت دستیابی به کمال و شکوفائی است، همراه با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارها، که در این تعریف به آن اشاره شده است. لذا با این اوصاف می توان تعریفی جامع بیان کرد که در تربیت لازم است معادل لاتین آن Education نیز بیان شود. از نظر لغت ریشه این کلمه نشان می دهد که تربیت عبارت است از «بیرون کشیدن کودک از حالت نخستین و یا از خود بیرون آمدن او» و بعدها مراقبتی که در پرورش و تغذیه کودکان اعمال می شود، و نیز به معنای مراقبت در امور پرورش روحی آنان و آموختن علم یا عادت نیک به آنها به کار رفته است. (موریس دبسی، ۱۳۷۴ ش، ۳).

۲-۲-۱. تعلیم در اصطلاح

تعلیم مصدر باب تفعیل از ریشه «ع - ل - م» و به معنای آموختن و آگاهانیدن است. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۴، ۵۹۷۱). تعلیم، آگاهی دادن و تعلّم آگاه شدن نفس به یک موضوع است. (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ج ۴، ۱۱۰).

برخی گفته اند: تعلیم، بر خلاف اعلام، ویژه اموری است که با تکرار و فراوانی همراه باشند، به گونه ای که اثری از آنها در ذهن متعلّم پدید آید (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲ م، ۵۸۰).

بر همین اساس می توان گفت تعلیم بیان و روشن کردن چیزهایی است که شخص جاهل به کمک آنها عالم می شود. (طبرسی، ۱۴۲۷ ق، ج ۹، ۲۹۹).

۳-۲-۱. تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت هایی بیان شده است که عبارتند از:

۱. از نظر شرایط: شرایط تربیت به مراتب از تعلیم مشکل تر است، چون تربیت از ظرافت، حساسیت و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. از این رو، مربی نسبت به معلم، باید از قاطعیت، تجربه،

معلومات، صبر و استقامت، حلم و شرح صدر بیشتری برخوردار باشد، تا بتواند به نتایج مطلوب تربیتی دست یابد. مربی برای پرورش متربی، از سویی باید تمامی شرایط رشد را آماده ساخته، مرحله به مرحله او را همراهی کند، و از سوی دیگر باید آگاهی، حوصله، دقت، پشتکار را به اندازه لازم دارا باشد. در غیر این صورت، در کار خود موفق نخواهد شد. اما معلم، کافی است که زمینه‌های لازم برای یادگیری را از راه گفتن، نوشتن، رسم کردن فراهم کند.

۲. در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸ ش، ۱۵).

۳. در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است. (همان).

بنابراین تعلیم و تربیت تفاوت‌های با هم دارند و چنین هم نیست که هیچ ارتباطی به هم نداشته باشند، بلکه هر تربیت در مقدمه به تعلیم نیاز دارد. بنابراین، تعلیم هم در گستره این تحقیق وجود دارد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به هدف مطلوب یک معلم باید مربی هم باشد، یعنی هم تربیت و هم تعلیم را لحاظ کند و تعلیم و تربیت باید همراه همدیگر و در راستای هم انجام گردد.

۲. نقش مربی در تربیت کودک از منظر قرآن و روایات

در اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت، همین کافی است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است و در کلمات پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«بِالتَّعْلَمِ أُرْسِلْتُ؛

ترجمه: برای یادگرفتن و آموختن مبعوث شده‌ام».

بُعِثْتُ مُعَلِّمًا؛

ترجمه: به عنوان معلم، مبعوث شده‌ام».

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ ج ۷۰، ص ۳۷۲)؛

ترجمه: من از آن رو برانگیخته شدم که: اخلاق کریمه و صفات ستوده و انسانی را در بشر بکمال رسانم و پایان آرم».

که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است. از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام «اصل خدا محوری» یا «اخلاص»، «اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران»، و «اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الاهی» می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد، و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی شناسد؛ چرا که علم و حکمت را گمشده مؤمن می داند که نزد هر کس بیابد آن را می گیرد.

پیرامون تربیت انسان در قرآن و روایات اهمیت زیادی قائل شده است و مخصوصاً تربیت فرزند و کودک نیز در کلام گهربار ائمه اطهار (ع) نیز بسیار به چشم می خورد. حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند:

«يَعْرِفُ الْمُؤْمِنُ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِأَنْ يُرَبِّيَ وَلَدًا لَهُ كَافِيًا قَبْلَ الْمَوْتِ (الهندي، ۱۹۸۹م، ج ۱۶، ۴۸۹)؛

یعنی: قدر منزلت انسان مؤمن در پیشگاه پروردگارش در گرو تربیت فرزندی است که پیش از مرگ او را بی نیاز گرداند».

در آیات قرآن نیز اهمیت تربیت نیز بسیار محسوس است. به طور نمونه در آیات سوره لقمان، سفارشات تربیت که لقمان به فرزندان خود دارد را بیان می کند. (لقمان / آیات: ۱۳-۱۹).

بنابراین طبق آیات و روایات متعددی اهمیت تربیت مشخص می شود و انسانها همیشه باید به فکر تعالی و ترقی خود باشند و مربیان و والدین نیز در این امر وظایفی دارند که در بخشها و فصلهای این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

در نظام تربیتی اسلام امر تربیت مربی و معلم نقش مهم و اساسی دارد. اگر مربی شایستگی اخلاقی نداشته باشد، در امر تربیت موفق نخواهد بود. بنابراین مربی برای این که بتواند تأثیر تربیتی داشته باشد، باید ویژگی های که برای یک مربی لازم است، داشته باشد.

۱-۱-۲. محبت و عشق رزیدن به کودک

بدون تردید، یکی از اساسی ترین نیازهای کودک پس از نیازهای مادی، نیاز به محبت است. لازم است که والدین به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بدانند که پاسخگویی صحیح به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را شکل می دهد. با نگاهی به آمار دختران فراری و بررسی ریشه این مسئله، پی می بریم که در خانه به ایشان محبت نشده است، و لذا شخص به دنبال محبت های دروغین بیرون از خانه است.

سیره عملی امام صادق (ع) در این خصوص، نشان دهنده توجه ویژه اسلام به این اصل و نیاز اساسی فرزند می باشد. در روایت آمده است:

«كَانَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى حُبًّا شَدِيدًا فَقِيلَ مَا بَلَغَ حُبُّكَ لَهُ؟ قَالَ: مَا أَحَبَّ أَنْ لِي ابْنٌ آخَرَ فَيُنْشَرُ لَهُ فِي حَبِّي؛ (ابن ابی الدنيا، بی تا، ج ۱، ۳۱۵)؛

یعنی: امام صادق (ع) به فرزند خویش بسیار محبت می کردند، از ایشان سؤال کردند: چقدر او را دوست دارید؟ فرمود: به اندازه ای که دوست ندارم فرزند دیگری داشته باشم تا محبتم را بین آنها تقسیم کنم».

این روایت اصل مهم و اساسی محبت به کودک را مورد توجه قرار می دهد.

و نیز امام صادق (ع) فرمود:

«قَالَ مُوسَى (ع) يَا رَبُّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنِ أُمَّتُهُمْ أَدْخَلْتَهُمْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي، (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۲۴۹)؛

یعنی: حضرت موسی (ع) به خدا عرض کرد: خدایا! برترین اعمال نزد تو کدام است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آنها را بر فطرت توحیدی خویش آفریده ام و اگر آنها را بمیرانم، به رحمت خود به بهشت وارد می کنم».

موضوع دیگر که در امر تربیت لازم است؛ یک مربی داشته باشد عشق ورزیدن یک مربی به کودک است؛ زیرا وجود عشق یک مربی از جمله پدر مادر در فرایند تربیت و پرورش فرزندان از کارآمدی لازم برخوردار بوده و تأثیر گذاری مهم را به همراه دارد.

پدران و مادران فرزندان شان دوست داشته و به آنها عشق می ورزند؛ با این تفاوت که عشق مادر نسبت به فرزندان بدون قید و شرط است؛ اما عشق پدر مشروط به قید می باشد. مادر بدون توجه به ویژگی های جنسیتی و رفتاری فرزند و فقط به صرف موجودیت فرزند به او عشق و علاقه دارد؛ حتی اگر مورد بی مهری قرار گیرد او را طرد نکرده، همچنان نزدش نگه می دارد و از عشق و علاقه خودش محروم نمی کند؛ ولی پدر در عین حال که عشقش از مادر کمتر نیست، ولی این عشق مشروط به قیدی پیروی و رعایت نکات و ضوابطی است که از فرزند خواسته می شود و فرزند در صورت رعایت موارد تعیین شده از سوی پدر، مهر و محبت پدرانه دریافت می کند و در صورت عدم رعایت ضوابط و شرایط مورد نیاز برای تربیت و پرورش از عشق پدری محروم می شود. (کاوه، ۱۳۸۸ش، ۱۵۲-۱۵۳).

در نتیجه عشق پدر و مادر در تربیت فرزند مکمل هم هستند؛ به این معنا که عشق مطلق مادر در تربیت فرزند بدون عشق مشروط پدر کارای لازم را ندارد.

۲-۱-۲. متمهد بودن مربی

وفای به عهد و وظیفه ای دینی و عقلی است که نسبت به دیگران، به ویژه کودکان در سیره امام صادق (ع) مورد توجه قرار گرفته است. اگر ما به وعده های خود به کودکان مان عمل نکنیم، شخصیت فرزندان را تحقیر کرده، به آنان درس دروغگویی می دهیم و با گفتار عمل خود سخنانی را هم که در آینده خواهیم گفت، از پیش بی اعتبار می سازیم. امام صادق (ع) می فرماید:

«أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ، فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرَزُقُونَهُمْ؛ (کلینی،

۱۴۱۳ق، ج ۶، ۴۹)؛

یعنی: کودکان را دوست بدارید و به آنها محبت کنید، پس اگر به آنان وعده ای دادید، به آن وفا

کنید؛ زیرا آنان روزی خود را در دست شما می بینند».

۳-۱-۲. فروتنی و گذشت

یکی دیگر از راه‌ها برای یک مربی بالا بردن دانش خود است که این عمل نیز باعث فروتن شدن خلق در برابر خداوند و دنیای پیش‌رو می‌شود:

«بگو خواه به آن ایمان بیاورید و خواه ایمان نیاورید کسانی که پیش از آنها دانش داده شد، هنگامی که (این آیات را) بر آن خوانده می‌شود، سجده کنان (از روی خشوع و خضوع) به خاک می‌افتند و می‌گویند: پروردگارا ما که وعده‌هایش به یقین انجام شدنی است. آنها (بی اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات) به خشوعشان می‌افزاید». (اسراء/ آیات: ۱۰۷ - ۱۰۹).

در بعضی از آیات قرآن کریم اشاره به فروتنی شده و انسان را به این امر دعوت نموده است:

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ، (حدید/ ۱۶)؛

ترجمه: آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، وقت آن نرسیده که دل‌هایشان برای یاد خدا و برای آنچه از حق نازل شده فروتن و خاشع شود و مانند کسانی نباشند که پیش از آنها کتاب (آسمانی) به آنها داده شده بود. پس مدت (عمر) بر آنها طولانی شد و دل‌هایشان سخت گردید».

در روایات نیز بر قلبی بودن خشوع تأکید بسیاری شده است. و به تأثیر خشوع قلب در رفتار و منش انسان تأکید شده و او را از افراط در خشوع طاهری یعنی خشوع در جوارح بدون حضور خشوع در قلب بر حذر دانسته‌اند. (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ۲۷۹).

۴-۱-۲. عفت و پاکی

مطالعات و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد عوامل مختلف وراثتی، ژنتیکی و محیطی، از آغاز تشکیل نطفه بر انسان تأثیر دارند؛ بنابر این باید از دوران انتخاب همسر و حتی پیش از آن برای برخوردار بودن فرزندان آینده‌مان از تربیتی سالم و مناسب زمینه سازی نمائیم:

«فَلَمَّا تَعَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ

الشَّاكِرِينَ، (اعراف/ ۱۸۹)؛

«پس چون «آدم» با او «حوا» درآمیخت باردار شد باری سبک و «چندی» با آن «بار سبک» گذرانید و چون سنگین بار شد خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما «فرزندی» شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود».

طبق این آیه می‌توان برداشت کرد که برای صلاح و تربیت صحیح فرزند، باید پیش از تولد او اقدام کرد و از خدا استمداد جست تأکید اسلام بر چگونگی انتخاب همسر نیز به همین دلیل است. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ۲۴۱)

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم آمده است:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ، (اعراف/۵۸)؛

یعنی: و زمین پاک «و آماده» گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن «زمینی» که ناپاک «و نامناسب» است «گیاهش» جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید».

این گونه آیات «خود» را برای گروهی که شکر می‌گذارند گونه‌گون بیان می‌کنیم.

بعضی از مفسرین این تعبیر قرآن را برای بدن انسان و بسته شدن نطفه نیز بیان نموده‌اند مثل تفسیر اطیب البیان که فرموده است:

«همین نحو فیض و رحمت الهی در کالبد بدن انسانی از همین ثمرات و حبوبات تولید نطفه می‌کند، اگر صلب آباء و رحم امهات پاکیزه باشد، مؤمن صالح باشند و حرام نخورده باشند، اولاد صالح تولید می‌کنند و اگر خبیث و کافر و فاسق و اکل حرام کرده باشند، اولاد فاسق و فاجر تحویل جامعه می‌دهند». (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ۳۶۵).

لذا بر اساس آیه، برای تربیت شایسته فرزند حتی قبل از تولد و هنگام انتخاب همسر باید اقدام نمود. به همین جهت است که اولین تأکید دین اسلام در موضوع ازدواج، انتخاب همسر مناسب است؛ چون این همسر اولین مربی فرزند خود خواهد شد، چه زن که مادری سالم و چه مرد که پدری دلسوز و مهربان باشد. قرآن کریم نیز برای این امر اهمیت قائل است به طوری که می‌فرماید:

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَهْمُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبُكُمْ أَوْلَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ، (بقره/۲۲۱)؛

یعنی: با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیآورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند «زیبایی» او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیآورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان «شما را» به سوی آتش فرا می خوانند و خدا به فرمان خود «شما را به سوی بهشت و آمرزش می خواند و آیات خود را برای مردم روشن می گرداند باشد که متذکر شوند».

و در روایات نیز به انتخاب همسر خوب تأکید شده است. حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید:

«تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ، (الهندی، ۱۹۸۹م،، حدیث ۴۴۵۵۹)؛

یعنی: از خاندان و عشیره نیکوکار زن بگیرید؛ همانا صفات به ارث می رسد».

و فرمودند:

«تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ؛

«تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ، (همان، حدیث ۴۴۵۵۶)؛

یعنی: برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید، زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود

فرزند می آورند».

پس نقش وراثت در تربیت مهم است و راه کارهای آن نیز از طریق آیات و روایات به دست ما رسیده است. پس اول باید محیط اولیه تربیت را که خانواده و والدین هستند درست بسازیم تا بتوانیم در این امر موفق باشیم.

۵-۱-۲. دعا و پرستش خداوند

فضای امن و آرام برای تربیت یک امر لازم و ضروری است و یک از عوامل مهم و اساسی در ایجاد چنین فضای دعا و نیایش است. دعا و نیایش در عین حال که موجب آرامش و کاهش اضطراب و نگرانی در هر خانواده می شود، به شدت در پایین آمدن سطح اضطراب، نگرانی و انواع جنایت ها در جامعه، مؤثر است؛ به گونه ای که در جامعه که مردم آن اهل دعا و عبادت هستند، جنایت های از قبیل ظلم، فساد، خیانت در آن کم بوده و مردم در آرامش و امنیت خاطر بسر می برند. اما جامعه که از نعمت دعا محروم هستند، آمار فساد و جنایت در آن بیشتر است.

دانشمند فرانسوی به نام الکسیس کارل در این باره می گوید:

«آمار جنایت ها نشان داده است که به طور متوسط کسانی که به عنوان مجرم و جنایت کار در جامعه شناخته شده اند، کسانی هستند که یا هیچ و یا بسیار اندک و جاهلانه دعا می کنند و برعکس از میان همان طبقه مردم، غالباً آنها که هنوز سمت نیایش و دعا را حفظ کرده اند، از ارتکاب جنایت مصون اند. (ضیایی، ۱۳۹۰ش، ۱۱۳).

بنابر این با دعا و عبادت است که هم مربی و هم مربی خودشان را در حوزه امنیت خداوند احساس می کنند و از طریق دعا و ارتباط با خداست که انسان به سعادت و کمال حق نایل شده به آرامش می رسد. قرآن کریم می فرماید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)؛

یعنی: تنها با یاد خدا دل‌های مضطرب و پریشان آرامش پیدا می کند.

قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم/۶)؛

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید.

این آیه اشاره به خود انسان و خانواده وی است که سفارش نموده خودتان را از دچار شدن به آتش دوزخ حفظ کنید. منظور و هدف این است که با تربیت صحیح خانوادگی و ایجاد محیطی مناسب و امن برای تربیت خود و خانواده خود کوشا باشید، تا دچار لغزش نشوید. خانواده می تواند با به کارگیری اصول تعلیم و تربیت خود و فرزندان را به نقطه تعالی رهنمون سازد.

بدون شک، ایجاد محیط سالم یک امر اولیه و ضروری در امر تربیت یک امر لازم و ضروری است، زیرا این محیط خانواده است که اولین تأثیر را روی شخصیت پذیری کودک می گذارد؛ از این رو برای تشکیل خانواده به چند نکته باید توجه شود.

۱. انتخاب همسر مناسب و شایسته که شالوده و ستون‌های محکم خانواده را تشکیل می دهد.

۲. هنگام تشکیل فرزند و انعقاد نطفه نکاتی باید رعایت شود که این محیط بهتر و کامل تر برای مراحل بعدی تربیت ایجاد شود.

۳. مراحل بعدی تأثیر محیط خانواده هنگام رشد کودک در شکم مادر است که باید پدر و مادر نیز به این محیط اولیه فرزند خود نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند.

۴. و مراحل بعدی رشد تربیتی که در سنین مختلف والدین وظایف گوناگونی دارند.

لذا طبق این تقسیم و مراتب این نکته قابل توجه است که مربیان اولیه انسان که والدین هستند از همان بدو شروع اولیه زندگی باید آموزش داده شوند تا وظایف خود را کامل بدانند و متوجه این امر شوند که ایجاد محیط تربیت اولیه انسان بسیار در پیشرفت روند تربیت اهمیت دارد.

با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است؛ هر انسانی بعد از محیط خانواده ناچار است با اطراف خود مثل دوستان، مدرسه، اجتماع ارتباط برقرار کند و موجب می‌شود که تأثیرات متقابلی در اجتماع خود داشته باشد به این منظور که هم تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیرگذار خواهد بود.

ابن ابی الحدید از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«إِذَا خَبَثَ الزَّمَانُ كَسَدَتِ الْفَضَائِلُ وَضُرَّتْ وَنَفَقَتِ الرَّزَائِلُ وَنَفَعَتِ، (غرر الحکم، ۱۳۸۹ ش.، ۴۵۶)؛

یعنی: وقتی محیط اجتماع ناپاک و آلوده شد فضایل اخلاقی و سجایای انسانی بی‌رونق و زیان آور

می‌شود و برعکس رزائل و ناپاکی رایج و سود بخش می‌گردد».

در روایت دیگر درباره محیط و جامعه فاسد می‌فرماید:

«صَارَ الْفُسُوقُ فِي النَّاسِ نَسَبًا وَالْغَافُ عَجَبًا، (همان، ۴۵۷)؛

یعنی: گناه کاری و ناپاکی در آن جامعه از اوصاف عادی مردم شده و پاکدامنی و عفاف موجب

شگفتی گردیده است.

خداوند در قرآن کریم در مورد قوم موسی می‌فرماید:

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا

كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ، (اعراف / ۱۳۸)؛

یعنی: و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانندیم تا به قومی رسیدند که بر «پرستش» بت‌های خویش همت می‌گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما «نیز» خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می‌کنید».

این آیه بیانگر این مطلب است که محیط‌های ناسالم می‌تواند بر انسان تأثیرگذار بوده و به سرعت انسان را از راه خود منحرف سازد. قوم بنی‌اسرائیل با این همه موعظه و پند حضرت موسی (ع) هنگامی که به قوم بت پرست رسیدند، از جایگاه خود تغییر مسیر دادند.

بنا بر این مربیان و کسانی که مسوولیت تربیت به دوش آنهاست وظیفه سنگین را بدوش دارند؛ باید در دوران کودکی مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشند که مرتبی از آسیب‌های مختلف مصون باشد و در جامعه دچار پیچیدگی‌های مختلف نشده و از خصائل نیکوی اجتماع بهره‌بردار. قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ، (حج/۴۱)؛

یعنی: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

نتیجه گیری

مربی نقش مهم در شکوفا کردن قدرت و استعداد های بالقوه کودکان دارد. شخصیت اخلاق مربی در کاهش مشکلات اخلاقی، روحی و روانی مؤثر است، به گونه ای که محتوای تربیتی سالم و مفید بستگی به تربیت درست شخص مربی دارد. مثلاً نقش پدر و مادر به عنوان اولین مربی و هم چنین آموزگاران در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان و دانش آموزان انکار ناشدنی است؛ بدین صورت که زمین دل و اندیشه کودکان در اختیار پدر و مادر و دوران جوانی و نو جوانی آنها در اختیار آموزگار می باشد. در هر حقیقت هر نوع رفتار فرزندان چه خوب یا بد، ناشی از تربیت درست و نادرست مربی است؛ به این صورت که بسیاری از جرم ها که ناشی از ضعفها و کمبود های عاطفی، روحی و روانی افراد مجرم است، ناشی از کم کاری پدر و مادر در حوزه تربیت می باشد. از این رو تربیت صحیح مستلزم داشتن یک سلسله صفات است که یک مربی باید داشته باشد؛ مثلاً یک مربی در ضمن این که فردی متعهد، فروتن، با عفت و اهل دعا و پرستش است؛ باید مهرورزی و محبت و عشق ورزیدن به مربی (فرد مورد تعلیم) را داشته باشد. در سخنان حضرت علی (ع) آمده است: «هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازد و پیش از آن که به زبانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا آن که آموزگار و مربی دیگران است».

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الدنيا البغدادی، ابی بکر عبدالله، کتاب العیال، دمشق، دار ابن القیم، بی تا.
۲. ابن ابی الشیبیه، کتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۹م.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۱. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۲. بناری، علی همت، نگرش بر تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
۳. تمیمی، عبدالواحد محمد، غرر الحکم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹ش.
۴. حاجی ده آبادی، در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، المصطفی (ص)، ۱۳۹۸ش.
۵. حسینی، سیدابوالحسن، آشنای با نظام تربیتی اسلام، قم، اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیه، ۱۹۹۲م.
۸. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، تهران، دوران، ۱۴۰۱ش.
۹. صدوق، محمد بن علی، ترجمه خصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، اسلامیه، بی تا.
۱۰. ضیایی، حیدر علی، نور هدایت، فصلنامه تخصصی در حوزه تربیت، شماره اول، ۱۳۹۰ش.
۱۱. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، فراهانی، ۱۴۲۷ق.
۱۳. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۵. فراهیدیان، رضا، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش، چ چهارم.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.

۱۷. کاوه، سعید، ناکارآمدی ها در تربیت فرزندان، تهران، سخن، ۱۳۸۸ش.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی فی الاصول و الفروع، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.، چ دوم.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.، چ دوم.
۲۰. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰ش، چ هفتم.
۲۱. _____، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۲ش.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۲۳. مهدی زاده، حسین، آئین عقل ورزی، تهران، تمدن اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۲۴. موریس دبسی، مراحل تربیت، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۵. الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، الرساله، ۱۹۸۹م.